آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم شماره ۱۱۱۰
پنجشنبه
۲۵ • ۰۶ • ۱۴۰۰
۰۹ صفر ۱۴۴۳/۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱

یادداشت

باقری و برجام

احمد زید آبادی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

به همان اندازه که طرف‌های غیر ایرانی برجام برای ازسرگیری سریع مذاکرات وین بی‌تابی نشان می‌دهند، طرف ایرانی نسبت به این مسأله خونسردی و بی‌تفاوتی در پیش گرفته است. از نگاه ۱+۵ ازسرگیری سریع مذاکرات وین از آن جهت ضروری است که سرعت توسعه برنامه اتمی جمهوری‌اسلامی، به‌زودی احیای برجام را بی‌معنی و بی‌اثر خواهد کرد. از نگاه جمهوری‌اسلامی اما تعلیق مذاکرات، فرصتی برای پیشبرد برنامه هسته‌ای است تا اعضای برجام را در مقابل «عمل انجام شده» قرار دهد و در پشت میز مذاکره با دستی پرتر از قبل، امتیازات تازه‌ای را طلب کند. در این میان اما دولت اسرائیل که ابزارهای فشار خود علیه دولت جوبایدن و دیگر اعضای ۱+۵ را برای رها کردن موضوع برجام در شرایط حاضر کند می‌بینند، به طور علنی اعلام کرده است که در این مورد، چشم امیدش به محافلی در تهران است تا با در پیش گرفتن روشی سخت و انعطاف‌ناپذیر در مذاکرات، خودشان اسباب نابودی برجام را «یک بار و برای همیشه» فراهم کنند. بنابراین، بر سر سرنوشت برجام، سه خط متفاوت در سه جهت مختلف در جریان است، خطوطی که بعضاً در هم می‌پیچند و خواسته یا ناخواسته یکدیگر را تضعیف یا تقویت می‌کنند. در حال حاضر بین سه کشور اروپایی عضو برجام و دولت آمریکا، درباره دستور کار مذاکره با ایران و ابعاد توافق نهایی احتمالی، وحدت نظر وجود دارد. این چهار کشور خواهان احیای برجام با تغییراتی در مفاد آن به‌خصوص تعویق زمان «بندهای غروب» آن هستند و در عین حال مایلند مذاکره در باره نظم خاورمیانه به‌نحوی به برجام پیوند یابد. روسیه و چین عمدتاً بر احیای برجام در همان صورت نخست آن، اصرار می‌ورزند و درباره جزئیات ماجرا، گویی به عمد لحنی ابهام‌آمیز درپیش گرفته‌اند تا امکان میانجی‌گری بین دو طرف را در سخت‌ترین مراحل مذاکره برای خود حفظ کنند. در مقابل، طرف ایرانی درمورد سرنوشت برجام به شیوه‌ای کم و بیش دوپهلو سخن می‌گوید. تاکنون سیدابراهیم رئیسی و اعضای دولت او، اصل احیای برجام را پذیرفته‌اند اما درمورد مزایای ناشی از آن به‌خصوص ابعاد لغو تحریم‌های اقتصادی آمریکا شروطی را به صورت کلی مطرح می‌کنند. دولت رئیسی به عنوان برآیند جناح «اصولگرا» و اصطلاحاً «انقلابی» که طیفی از موافقان نسبی تا منتقدان و مخالفان سرسخت برجام را در برمی‌گیرد، خواهان توافقی است که هم رضایت نیروهای هوادار این جناح را تا اندازه‌ای فراهم کند و هم زبان حامیان پروپاقرص برجام در جناح مقابل را بر سر خود تیز نکند. (البته زبان حامیان جناح مقابل چه توافقی صورت گیرد و چه نگیرد در هر حال تیز خواهد شد!) از این رو، دولت رئیسی در مورد برجام، وضعیت دشواری دارد. انتخاب علی باقری به عنوان معاون سیاسی وزارت‌خارجه که قاعدتاً مسئول مذاکره با اعضای ۱+۵ خواهد شد، به نظرم نوعی تلاش برای غلبه بر این دشواری و بلاتکلیفی است. باقری به عنوان یکی از مخالفان سرسخت برجام شهرت دارد. از این رو، انتخاب او برای پیشبرد مذاکرات در نگاه نخست نقض‌غرض است؛ اما از زاویه‌ای دیگر انتخاب او ممکن است خالی از هوشمندی هم نباشد. قاعدتاً هر توافقی که علی باقری در مورد برجام امضا کند، مورد نقد و نفی طیف تندروتر اصولگرایان قرار نخواهد گرفت زیرا نماینده خود آنها آن را به امضا رسانده است. از طرفی با توجه به سابقه مذاکرات نافرجام و فرسایشی سعید جلیلی که به عنوان مذاکره‌کننده‌ای ناکارآمد و ناآشنا به اصول مذاکره در افکار عمومی اکثریت ایرانیان جا افتاده است، علی باقری نمی‌تواند و شاید حتی نمی‌خواهد پا جا پای او بگذارد و با دست خالی از وین برگردد. اگر او پس از هر دور مذاکره، با دست خالی از وین برگردد، ضربه سیاسی جبران‌ناپذیری به دولت رئیسی و مجموعه اصولگرایان وارد خواهد شد، زیرا در آن صورت، افکار‌عمومی به این نتیجه قطعی خواهند رسید که اصولگرایان اساساً توان مذاکره و دستیابی به توافق را ندارند و اگر قرار به مذاکره و توافق باشد فقط افرادی مانند محمدجواد ظریف توان به سرانجام رساندن آن را دارند. در هر صورت، سرنوشت برجام مانند سکه‌ای که به هوا پرت شده باشد، در حال چرخش است و هنوز نمی‌توان با ضرس قاطع گفت که با کدام رویش به زمین خواهد نشست. آنچه در این میان به‌خصوص پیش‌بینی را مشکل می‌کند همان برنامه اسرائیل است که می‌کوشد برجام را به دست خود ایرانی‌ها نابود کند. بدبختانه آنها در این نوع امور، بسیار پیچیده عمل می‌کنند و همانطور که به مراکز هسته‌ای کشور نفوذ کرده بودند، ممکن است با ظاهری اصطلاحاً «سوپرانقلابی»، در مراکز تحلیلی هم برای کمک به اشتباه محاسبه تصمیم‌گیران نفوذ کنند.

دریچه

داریوش قنبری:

از تغییر موضع مخالفان برجام خوشحالیم

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب اظهار داشت: متاسفانه برخی مخالفان دولت روحانی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بیشترین کارشکنی‌ها را در حوزه پیشبرد منافع ملی به عمل آورده و مشکلات زیادی را ایجاد کردند. با این حال ما خوشحالیم که همان‌ها این‌طور چرخش کرده و از سیاست‌های مبتنی بر تعامل با جهان و مذاکره استقبال می‌کنند. داریوش قنبری گفت: البته این سوال مطرح است که آیا در مواضع و استراتژی ایران تغییر خاصی دیده شده یا اینکه طیف مقابل دولت روحانی، تغییر کرده‌اند؟ واقعیت این است که نه استراتژی تغییر کرده و نه مخالفان روحانی تغییر کرده‌اند. آنها همان موقع هم می‌دانستند که برای پیشبرد منافع ملی باید مذاکره نمود و با آژانس هم توافق کرد. حتی یکی از چهره‌های سیاسی این جریان به نوعی گفته بود که مذاکره در دولت اصولگرا اشکالی ندارد و خوب است. این نماینده پیشین مجلس تاکید کرد: به هر حال توجه بیشتر به منافع ملی امر مثبتی است و باید از آن استقبال کنیم. برخورد جناحی با حوزه منافع ملی آثار خوبی ندارد و اگر بنا باشد وقتی اصلاح‌طلبان یا دولتی مثل دولت روحانی که تحت حمایت آنان بود، سر کار باشد، اصولگرایان مخالفت کنند و وقتی هم که اصولگرایان سر کار هستند طیف رقیب مخالفت کند، منافع ملی قربانی خواهد شد. لذا فکر می‌کنم که اکنون اصلاح‌طلبان باید از این رویه جریان اصولگرا استقبال کنند چون این نگاه در چارچوب منافع ملی است و فرقی ندارد که چه کسی آن را پیش می‌برد. حرف ما هم از اول هم همین بوده است باید خوشحال باشیم که نگاه منتقدان دولت قبل هم به سمت تداوم مذاکرات رفته است.

حشمت‌ا... فلاحت پیشه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران گرفتار باتلاق نشود؛ طالبان افول بیشتری می‌کنند

- طالبان به ذات خود باز می‌گردد
- طالبان از شکل گیری دولتی مستقر و حتی متمرکز دور است

آرمان ملی- نرگس کارخانه‌ای: هنوز امور در همسایگی شرقی ایران شرایطی بی ثبات دارند و حتی نمی توان گفت اوضاع رو به بهبود می‌رود. از جنگ‌ها که بگذریم، شاهد اقداماتی در سطح ولایت‌های با مردم عادی غیر پشتون مواجه هستیم که از شهر و خانه خود توسط طالبان رانده می‌شوند و از سوی دیگر همچنان هزاران آواره در نقاط مختلف افغانستان در پارک‌ها و چادرها مستقر هستند. اما در میان طالبان نیز گویا شادی و سرور پیروزی تمام شده است و درگیری‌ها بالا گرفته. گفته می‌شود در نتیجه همین اختلافات با شبکه تندرو حقانی بوده است که ملا برادر به قندهار رفته و حالا حتی شاید مساله به ورود رهبر طالبان نیاز داشته باشد. در این روزها افغانستان و طالبان برای رسیدن به امنیتی که به دنبال آن است راه طولانی با مشکلات بسیار در پیش دارد و به نظر می‌رسد هر روز چیزی بر این مشکلات افزوده می‌شوند. در رابطه با آینده این اختلافات و تاثیرات آنها در روزهای آینده افغانستان «آرمان ملی» به گفت‌وگو با حشمت‌ا... فلاحت پیشه، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

در روزهای اخیر اختلافات میان جناح‌های مختلف طالبان سبب درگیری آشکار در میان آنها شده است. در نتیجه این مشکلات درون‌طالبانی انتظار ایجاد چه مسائلی را در میان طالبان و اقدامات آینده آنها می‌توان داشت؟

واقعیت این است که انسان‌ها همواره به ذات خود باز می‌گردند، در سیاست نیز انسان‌ها از بنیادهای فکری خود جدا و حتی دور نمی‌شوند. بنیادهای فکری طالبان، که در ۲۵۰۰ مدرسه دینی و پرورش تروریست در مرزهای افغانستان و پاکستان پرورش یافته، جهت‌گیری‌های خاصی بر حسب محل ماموریت و آرمان‌هایشان، که برای خود تعریف کرده‌اند، دارد. جریاناتی نیز در میان آنها وجود دارد، یکی از این جریانات در ارتباط با کشورهایی چون قطر، پاکستان و عربستان است و به این دلیل که باید منافع کشورهای حامی خود را تامین کنند، سعی کرده‌اند در قالب دیپلماتیک عمل نمایند و حالا می‌بینیم که مواضع نرمی را مطرح می‌کنند. اما جریانات دیگری مثل جریان حقانی نیز وجود دارند که اساسا پرورش آنها ساختار شکنانه است و اعتقاد آنها بر این است که با یک دنیای کفر مواجه هستند و در نهایت سربازان آنها زمانی رستگار می‌شوند که در جنگ با این دنیای کفر به شهادت برسند. رویکرد آنها در عمل نیز، جنگ تروریستی، اقدامات انتحاری و مقابله با هرگونه امری است که در نظر آنها مظهر غرب‌گرایی باشد. به طور طبیعی چنین گروهی بیش از همه در خدمت اقدامات ایذایی دستگاه‌های اطلاعاتی قرار می‌گیرد. من در گذشته نیز این واقعیت را پیش‌بینی کرده‌ام که یک جریان ساختارشکن از دل طالبان برخواهد خواست، جریانی که آرمان‌های خود را به مصلحت‌های حامیان طالبان بند نمی‌کنند و سعی خواهند کرد که در دل دولت مقام و موقعیتی پیدا کنند. آنها کسانی هستند که سال‌ها در زندان‌های آمریکا بودند، شکنجه شده‌اند و سال‌ها آموزش تروریستی دیده‌اند. همچنین طبیعتا با چند موضعی که سخنگوی طالبان اتخاذ می‌کند نمی‌توانیم انتظار تعدیل مواضع آنها را داشته باشیم. در آینده حرکت‌هایی چون حمله به زنان، حمله به فرقه‌ها و مذاهب غیرطالبانی و حمله به خارجیان در دل طالبان شکل می‌گیرد و بروز خواهد کرد. دولت طالبان نیز در برابر چنین اقداماتی یا نمی‌خواهند یا نمی‌تواند واکنش نشان دهد و خواهیم شنید که خود طالبان می‌گوید گروه‌های خودسر دست به چنین اقداماتی زده‌اند. لذا به نظر من نه تنها طالبان چند مرحله از شکل‌گیری یک دولت مستقر بسیار دور است بلکه حتی با شکل‌گیری یک گروه متمرکز که قدرت را قبضه کند نیز فاصله بسیار دارد چون تمرکز آنها به هم خواهد خورد. اعتقاد من بر این است که جمهوری اسلامی ایران در کنار چنین کشوری باید علاوه بر برقراری و حفظ امنیت مرزهای خود به گونه‌ای عمل کند که مسیر تحولات افغانستان به سمت تروریستی شدن بیشتر این کشور نرود، گرچه من خود مخالف هرگونه اقدام یک جانبه در افغانستان هستم و معتقد هستم ایران باید در قالب یک ساز و کار بین‌المللی کمک کند تحولات اخیر منجر به بدتر شدن اوضاع این کشور همسایه نشوند.

برخی باور دارند ایران و دیگر کشورها در سطح بین‌المللی باید از افراد و جریانات اصلاح‌طلب در طالبان حمایت کنند و سبب قدرت گرفتن آنها در افغانستان برای بهبود شرایط این کشور و روابط بین‌المللی شود. آیا باور دارید چنین امکانی وجود داشته باشد؟

باور ندارم جریان اصلاح‌طلبی در داخل طالبان شکل گرفته است اما معتقدم جریان مصلحت‌طلبی در دل آن وجود دارد که بیشتر ناشی از تبیینات اخیر دیپلماتیک طالبان تحت تاثیر مناسبات آنها با کشورهای حامی آنهاست. تنها رفتاری که من اعتقاد دارم ایران در شرایط کنونی باید انجام دهد این است که در قالب منافع و امنیت، افغانستان طالبانی را نه به عنوان یک کشور مستقر بلکه فعلا به عنوان یک کشور در حال انتقال سخت و توام با وخامت اوضاع ببیند. اما در سایر مسائل سرمایه‌گذاری کردن حتی در بخشی از طالبان منجر می‌شود که اگر بخش‌های جدا شده‌ای شکل گیرد، ایران گرفتار اقدامات ایذایی دیگر گروه‌ها شود. باور دارم شرایط کنونی به گونه‌ای است که می‌توان گفت از خیر تا شر افغانستان، ایران نباید خود را گرفتار تحولات این کشور کند.

بنابر ویژگی‌هایی که برشمردید آیا طالبان را قدرتی موقت در افغانستان می‌دانید؟

طالبان بر اساس یک شرایط ایجابی و اثباتی شکل نگرفته و به همین دلیل است که حتی دوران قدرت موقت نیز برای آن قابل تعریف نیست. من معتقد هستم طالبان بر بنیاد فساد و بی‌کفایتی دولت گذشته و در عین حال بر بنیاد شکست یک راهبرد خارجی، دولت ملت سازی آمریکا در افغانستان، شکل گرفته است. طالبان در دوره اول خود با یک دوران تصفیه داخلی مواجه خواهد شد که این تصفیه‌های همزمان خواهد شد با ناکارآمدی در مدیریت جامعه، افزایش نارضایتی‌ها و به ویژه افول اقتصادی افغانستان تحریم شده. این‌ها همه شرایطی هستند که باعث خواهند شد در آینده روز به روز افغانستان را از شرایط مستقر دورتر ببینیم.

اگر نگاه را از طالبان برداریم، در مقیاسی بزرگ‌تر مشکلات بیشتری برای طالبان وجود دارند و در داخل افغانستان مقاومت‌هایی به جز مقاومت پنجشیر در حال شکل‌گیری است. فارغ از ناکارآمدی‌های طالبان، این مقاومت‌ها بر طالبان و آینده افغانستان چه تاثیری خواهند داشت؟

همواره شرایط اقلیمی، فرهنگی و جغرافیای سیاسی افغانستان برای جنگ‌های چریکی آماده بوده است و چنین مقاومت‌هایی در قالب جنگ‌هایی چریکی در افغانستان شکل می‌گیرند و اگر طالبان در کوتاه مدت قادر نباشد نظم مستقری را شکل دهد تا شناسایی بین‌المللی به دنبال داشته باشد، روز به روز به دلیل بروز رفتارهای زیر نقاب مانده طالبان از این شناسایی دورتر خواهد شد و گروه‌های مقاومت، حامیان خارجی خواهند یافت، در نتیجه باز هم افغانستان، مثل افغانستان گذشته خواهد شد. شبیه به افغانستانی که همیشه شاهد هستیم و گرفتار جنگ‌های مختلف داخلی است. در واقع راه حل افغانستان بازگشت به شرایطی است که بار دیگر در آن همگان بتوانند حضور خود را در دولتی فراگیر حس کنند و برای دفاع از حقوق خود نماینده‌ای داشته باشند و امکان دموکراسی نوین در افغانستان شکل بگیرد. اما همچنان افغانستان از چنین حالتی بسیار دور است.

عده‌ای ماندن افغانستان در جنگ را ناشی از سیاست‌های بین‌المللی برای استفاده از منابع و منافع در این کشور می‌دانند و عده‌ای باور دارند این وضعیت فرهنگی و جغرافیای افغانستان است که سبب این تنازعات دائمی است. شما علت این «افغانستان ماندن افغانستان» را چه می‌دانید؟

جنگ دائمی در افغانستان در درجه اول ریشه در عدم سازش مردم این کشور با یکدیگر دارد که هیچگاه نمی‌توانند با هم کار کنند. دلیل دوم نیز این است که کشورهای خارجی هیچگاه به دنبال یک نظم فراگیر نیستند و هر یک منافع خود را در فضای بکر افغانستان دنبال می‌کنند و حتی در گذشته نیز دولت‌های برخاسته از دل افغانستان موفق نبوده‌اند چه برسد به طالبان، به عنوان یک عامل بیرونی که عمدتا از پاکستان دستور می‌گیرد. عوامل خارجی چون کشورهای دیگر نیز در حال حاضر پس از شکست آمریکا به جای کمک به شکل گرفتن شرایطی مستقر، به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ یک دسته تلاش می‌کنند به طالبان یک نظم پاکستانی بدهند و یا نظم طالبانی سال ۱۳۷۳ را احیا کنند و عده‌ای هم هستند که فعلا تحقیر آمریکا را فریاد می‌زنند اما در این میان برای کمک به افغانستان هنوز ساز و کار منطقه‌ای و بین‌المللی شکل نگرفته.

در میان مسائل جاری بین طالبان و مقاومت‌های مختلف و حمایت‌های خارجی که ممکن است به سوی هر یک از این طرفین برود، احمد مسعود کجا قرار دارد؟

باور دارم اگر قیام احمد مسعود ۶ ماه دیگر آغاز می‌شد، امکان نتیجه دادن آن بسیار بیشتر می‌بود. در شرایطی که دنیا دچار رعب نسبت به طالبان بود این قیام با سرکوب طالبان مواجه شد، گرچه همچنان باقی است و خاموش نشده است. اما به نظر می‌رسد افغانستان امروز یک افغانستان خسته از جنگ است و به دنبال ساز و کاری هستند تا حداقل‌های امنیتی و معیشتی برایشان فراهم شود. در چنین شرایطی امکان سربازگیری برای حتی گروه‌های ضدطالبان هم کم می‌شود اما واقعیت این است که طالبان بیش از آنکه به خاطر مقاومت دیگر طرف‌ها با شکست مواجه شود، به دلیل رفتارهای افشا شده خودش که از زیر نقاب خارج شده‌اند و به مرور خارج خواهند شد دچار افول خواهد شد.

در این منطقه هر کشور مانند چین، روسیه یا آمریکا به دنبال منافع خاص خود است و در برخی موارد حتی این منافع در تقابل با یکدیگر قرار دارد و یکی قطعا در این میدان بازنده خواهد بود. در میان این سیاست‌ها و کشورها کدام یک احتمال بیشتری برای شکست دارد؟

هیچگاه تاریخ تکرار نخواهد کرد که ۱۳۵ میلیارد دلار تسهیلات و کمک به افغانستان توسط جامعه جهانی داده شود. این کمک به گونه‌ای بزرگ بود که حتی می‌توان گفت در طول تاریخ، چنین کمکی به کشورهای منطقه شبه قاره و آسیا بی‌سابقه بوده است. اما بار این تسهیلات به دلیل فساد سیاستمداران در افغانستان و چالش قدرتی که کماکان نیز وجود دارد، توسط هیچ دولتی به دوش کشیده نشد. در آینده نیز چنین اجماعی شکل نمی‌گیرد و افغان‌ها حتما دچار اشتباه هستند اگر به دنبال این باشند که برنامه‌ای خارج از کشور آنها را نجات دهد. تحولات افغانستان، راهکارهای افغانی را می‌طلبد و کشورهای خارجی اگر تنها مانع سازی نکنند، کمک بسیاری به افغان‌ها و افغانستان کرده‌اند اما از این مسیر نیز دور هستند. در حال حاضر هر راه‌حل مسالمت‌آمیزی با اسلحه طالبان مواجه خواهد شد و این دوران دردناکی است که جامعه جهانی باید در افغانستان نظاره کند تا اینکه خود طالبان واقعیت خود را نشان دهد و بعد از آن گروه‌های تروریستی که در کنار طالبان با ارتباط با شبکه‌هایی مثل شبکه حقانی شکل می‌گیرند و القاعده‌ای که زنده خواهد شد و دیگر گروه‌های تروریستی، جامعه جهانی را با هزینه بسیار بیشتری که روی دست خود گذاشته است مواجه خواهند کرد. در آن زمان است که نقش بازیگرانی مثل ایران بار دیگر پررنگ خواهد شد.

«آرمان ملی» از نشست فصلی شورای حکام گزارش می‌کند:

غرب خواهان بازگشت به مذاکره؛ ایران خواهان تعهد طرفین

- نماینده ایران: با وجود تحریم‌ها انتظار اقدام سازنده نداشته باشید
- اروپا: لغو تحریم‌های هسته‌ای یک بخش ضروری برجام است
- آمریکا: آماده لغو تحریم‌های ناسازگار با برجام هستیم

آرمان ملی: نشست فصلی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی روز گذشته نیز برگزار شد و کشورهای مختلف به بیان دیدگاه‌ها و اظهارات کشورهای خود پیرامون برنامه هسته‌ای ایران پرداختند. این در حالی است که نشست شورای حکام تحت تاثیر سفر اخیر رافائل گروسی مدیر کل آژانس به تهران و توافق فنی با تهران بود که وی در نشست شورای حکام نیز به این مساله اشاره کرد. با این حال طی صحبت‌هایی با نمایندگان کشورهای مختلف به خصوص اتحادیه اروپا و آمریکا مشاهده می‌شد که گویا آنها تعهدات خود را کامل و جامع انجام داده‌اند و این ایران است که از برجام خارج شده و باید به این توافق بازگردد. به نظر می‌رسد غربی‌ها هنوز به واقع خواستار احیای برجام نیستند و مسائل مطروحه‌شان نیز در راستای منافع خودشان است و گویی اینکه منافع ایران را نیز به رسمیت نمی‌شناسند. غربی‌ها در شرایطی از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده‌اند که عملکردهای ایران همواره شفاف و در راستی آزمایی آژانس بوده و در گزارش‌های آژانس نیز همیشه پایبندی ایران به برجام تصریح شده است. اما ایران هیچ‌گاه زیاده خواهی‌های طرف‌های دیگر را برنتافته است. چنانکه محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی در خصوص دوربین‌های ناظر بر فعالیت هسته‌ای ایران گفته است: «طبق مقررات آژانس هسته‌ای و پادمان، دوربین‌های آژانس در سایت‌های هسته‌ای وجود دارد و این تداوم دانش و آگاهی از فرایندهای هسته‌ای در کل جهان انجام می‌شود، افزون بر تعهداتی که طبق پادمان بر عهده ایران است و باید شفاف سازی را انجام دهد، تعدادی دوربین متاثر از برجام نصب شده بود، اما طرف‌های مقابل به تعهدات خود عمل نکردند از این رو دیگر ضرورت نداشت آن دوربین‌ها وجود داشته باشد.» حال باید دید که با توجه به اینکه غربی‌ها درصدد احیای برجام و خواهان بازگشت ایران به مذاکرات هستند در گام‌های عملی خود چه تغییراتی شکل خواهند داد.

عوام فریبی نکنید؛ بدهکار نیستیم

سفیر و نماینده دائم کشورمان نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، طی سخنانی در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با موضوع بررسی وضعیت اجرای برجام در جمهوری اسلامی ایران، مواضع ایران را در این خصوص برای نمایندگان کشورهای عضو تشریح نمود. کاظم غریب آبادی گفت: آمریکا قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را از طریق خروج از برجام و اعمال سیاست شکست خورده «فشار حداکثری» و از سرگیری تحریم‌ها، که به طور مستقیم و مخربی بر عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران که مهمترین هدف توافق هسته‌ای می‌باشد اثر گذاشته است، نقض نمود. وی افزود: از آنجا که بخش لغو تحریم و تأثیرات آن در برجام، مبنای اساسی رضایت ایران به این توافق را تشکیل می‌دهد، نقض‌های ایالات متحده آمریکا باعث شد که این قسمت از توافق، بی اثر و عاری از فایده شود. متاسفانه، به طور مناسبی به این نگرانی‌ها توسط اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی نیز به منظور یافتن راه حل‌های عملی جهت جبران نقض توافق رسیدگی نشد. لازم می‌دانم اینجا بویژه از بیانیه‌های برخی کشورهای عضو توافق هسته‌ای و کشورهای اروپایی ابراز تأسف جدی و همچنین تعجب نمایم. گویی این کشورها فراموش کرده‌اند که این ایران بود که به تمامی تعهدات خود تحت این توافق پایبند بود و از مزایای آن نیز به خاطر اقدامات قانون شکنانه آمریکا و بی اقدامی اروپایی‌ها، بهره‌مند نگردید. ظاهراً این کشورها قصد دارند جای قربانی را با قانون شکنان عوض کنند. وی ادامه داد: مایه تأسف است که کشورهای اروپایی همچنان حاضر نیستند آمریکا را به خاطر خروج غیرقانونی و یکجانبه آن از توافق هسته‌ای محکوم کنند و از آن بخواهند تحریم‌های خود را علیه ملت ایران بردارد، اما در عوض از ایران مطالبه اجرای تعهدات آن تحت برجام را می‌کنند. نماینده ایران در آژانس تصریح کرد: مادامی که تحریم‌ها ادامه دارد، از ایران انتظار خویشتن داری و اقدام سازنده نداشته باشید. به این کشورها توصیه می‌کنم که عوام فریبی نکنید و به تعهدات عمل نکرده خود در برابر ملت ایران عمل کنید. ما بدهکار شما نیستیم.

اتحادیه اروپا به تعهدات پایبند باشد

نماینده اتحادیه اروپا در سازمان‌های بین‌المللی در وین در بیانیه‌ای در شورای حکام ضمن تاکید بر اهمیت توافق هسته‌ای و حمایت کشورها از اجرای کامل آن، با استناد به گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به بیان مواضع اتحادیه اروپا درباره تحولات اخیر برنامه هسته ای ایران پرداخت. نماینده دائمی اتحادیه اروپا در وین در بیانیه‌ای درباره نظارت و راستی آزمایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، مطرح کرد: اتحادیه اروپا در این برهه حساس بر تعهد راسخش نسبت به حمایت مداوم از اجرای کامل و موثر برجام تاکید کرده و مصمم است به فعالیت با جامعه جهانی برای حفظ این توافق دارای اهمیت راهبردی برای ساختار عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای جهانی، ادامه دهد. اتحادیه اروپا از تمامی کشورها می‌خواهد از اجرای آن طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل حمایت کنند. در ادامه این بیانیه آمده است: اتحادیه اروپا از اقدامات متمرکز در کمیسیون مشترک برجام و تماس‌های نماینده عالی اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ کننده برجام با تمامی شرکای مرتبط حمایت می‌کند. اکنون، از سرگیری مذاکرات در راستای بازگشت احتمالی آمریکا به برجام و بازگشت ایران به اجرای کامل و هر چه سریع‌تر برجام، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. بنابراین، اتحادیه اروپا از ایران می‌خواهد بدون تاخیر بیشتر به مذاکرات وین بازگردد. این موضوع با توجه به توسعه پویای فعلی برنامه هسته‌ای ایران در حالی که نظارت و راستی آزمایی آژانس به طور جدی تضعیف شده است، اهمیت ویژه‌ای دارد. در بیانیه اتحادیه اروپا آمده است: در کنار اجرای کامل و راستی آزمایی شده تعهدات هسته‌ای از سوی ایران، لغو تحریم‌های هسته‌ای یک بخش ضروری از توافق است. اتحادیه اروپا مایل است تاکید کند که تعهداتش را کاملا انجام داده است، از جمله در زمینه لغو تحریم‌ها تحت برجام. بیانیه اتحادیه اروپا می‌افزاید: ما قویا از ایران می‌خواهیم تمامی اقدامات ناسازگار با برجام را به حالت قبل بازگرداند و بدون تاخیر به اجرای کامل آن از جمله در زمینه اقدامات شفاف سازی بازگردد و از اقدامات شرکای برجام در پرداختن با تمامی مسائل تحت چارچوب برجام حمایت کند.

ایران به مذاکرات بازگردد

معاون نماینده آمریکا در سازمان‌های بین المللی در وین در بیانیه‌ای درباره برنامه هسته‌ای ایران و توافق هسته‌ای در جلسه‌ی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی اظهار داشت: آمریکا هماهنگی نزدیکی با متحدان و شرکایش دارد و در جهت رسیدن به بازگشت دوجانبه به پایبندی به برجام که دستاوردی مهم در دیپلماسی چندجانبه و ابزاری مهم در در پرداختن به نگرانی‌های طولانی مدت جامعه جهانی درباره برنامه هسته‌ای ایران است، دیپلماسی در پیش گرفته است. لوییس بونو در ادامه مطرح کرد: ما این اهداف را با حسن نیت دنبال می‌کنیم و به وضوح گفته‌ایم در صورت از سرگیری پایبندی ایران به تمامی تعهداتش در توافق، آماده لغو تحریم‌های ناسازگار با برجام هستیم. اما تمامی طرف‌ها باید واقع بین باشند. فرصت بازگشت با پایبندی کامل دوجانبه به برجام تا همیشه وجود نخواهد داشت. در ادامه بیانیه او درباره برنامه هسته‌ای ایران آمده است: طبق مستندات گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی‌اتمی، ایران به توسعه‌های چشم‌گیر و فراتر از حدود برجام در برنامه هسته‌ای‌اش ادامه می‌دهد. بیانیه آمریکا در شورای حکام در این راستا می‌افزاید: ما از ایران می‌خواهیم بدون تاخیر به مذاکرات بازگردد و از هر گونه تنش بیشتر که تنها موجب سخت‌تر کردن کارمان خواهد شد، خودداری کند. ایران باید با فوریت به سمت توافق پیش برود نه اینکه از آن دور شود.

دیدگاه

ایران و آژانس در مسیر تعاملی تازه

ادامه از صفحه یک | کارت‌های حافظه آن‌ها که تحت مهر و موم مشترک در ایران نگهداری خواهند شد، اقدام نمایند. موضوعی که اگر دردولت‌های قبلی یعنی یازدهم و یا دوازدهم صورت می‌گرفت می‌توانست با واکنش‌ها و جنجال‌های زیادی روبه‌رو و همچنین مورد انتقاد شدید نمایندگان مجلس قرار گیرد اما همگرایی بین قوای مجریه و مقننه مانع هرگونه انتقاد نسبت به این موضوع شد. گروسی که با ابراز خرسندی نسبت به این توافق تهران را ترک کرد، بار دیگر از سفر مجدد خود به ایران خبر داد واظهار داشت که عزیمتش به تهران پس از اتمام سفر رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به وین و به زودی انجام خواهد شد. بنابراین سفر گروسی به تهران، آژانس و ایران را از مسیر اختلاف و تنش دور کرد و فضایی مثبت، همراه با تعامل و همکاری را در روابط دو طرف ایجاد کرد. شکل گیری چنین فضای مثبتی بالطبع می تواند زمینه را برای آغاز مذاکرات برجامی در وین نیز فراهم کند و به نظر می‌رسد ایران نیز در این مسیر به دنبال حل و فصل و پیگیری این گفت‌وگوها باشد؛ گفت‌وگوهایی که می‌تواند راه‌حل‌هایی را پیش روی طرفین برای رسیدن به توافق نهایی بگذارد.

نگاه

«گزارش ۱۰۰ روز» نزدیک است...

ادامه از صفحه یک | بزرگ، گسترده‌تر می‌کنند و مشمول هیچگونه پوشش بیمه‌ای یا درمانی نستند، تدبیری اندیشیده‌اید؟ د: کودکان کار، زباله گردها، معتادان و کارتن‌خواب‌ها نیز در برنامه‌های اجتماعی و حمایتی دولت سیزدهم جایی دارند؟ در این میان آنچه که مسلم است، مردم خسته از وعده‌ها و قول‌ها گذشته هستند و به دستان گره گشای دولت خیره شده‌اند. گرانی‌های کمرشکن و طاقت فرسا را با امید به اثربخشی برنامه‌های این دولت تحمل کرده و می‌کنند و امیدوارند در گزارش ۱۰۰ روز اول کاری، تجلی راهکارهای شما را مشاهده کنند. صد البته، مردم منتظر معجزه نیستند و به‌خوبی می‌دانند که حل این همه مشکل نیاز به زمان داشته و باید با منطق و حوصله منتظر گشایش باشند. هر چند که دشمن به هر شیوه‌ای می‌خواهد مردم را ناامید کند. کارشناسان و تحلیلگران به‌خوبی می‌دانند که یکی از علل آزردگی مردم و فاصله گرفتن آنها وعده‌های دور از واقع و بعیدالعمل بوده و جامعه از حرف‌ها خسته و در انتظار ملاحظه عمل هستند. امیدواریم دولت ضمن بررسی همه جوانب و ارزیابی امکانات سخت افزاری و نرم افزاری به‌مردم قول و وعده‌هایی را بدهند تا خدای نکرده امور تجربه شده گذشته، دوباره به‌مرحله تجربه جدید و تکراری درنیاید؛ تا از این رهگذر هم اعتماد ملی ترمیم گردد و در راستای احیا و تقویت سرمایه‌های اجتماعی گام‌های اساسی برداشته شود.

روی خط

محمد جواد جمالی نوبندگانی:

تا تحریم‌ها برداشته نشود، FATF تعیین تکلیف نمی‌شود

یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم درباره توافق انجام شده بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که با سفر گروسی به ایران صورت گرفت در حالی پیش از این سفر گمانه‌زنی‌هایی مطرح بود مبنی بر این که شاید توافقی صورت نگیرد و پرونده هسته‌ای ایران وارد فاز دیگری شود، گفت: معتقدم موضوع هسته‌ای ایران و همچنین فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای کشورمان از ابتدا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هنگام بحث و بررسی دچار یک انحرافی شد و رنگ و بوی مسائل سیاسی در تصمیم گیری‌ها بسیار بیشتر از مسائل فنی بود؛ چراکه شخص رئیس آژانس در بسیاری از موارد تقریبا برگزیده دستگاه حاکم ایالات متحده است بنابراین مسائلی که فی‌مابین ایران و آمریکا تعیین‌کننده هستند در گزارشات رئیس وقت آژانس هم خودش را نشان می‌دهند. محمدجواد جمالی نوبندگانی افزود: به طور مثال ما مشاهده می‌کنیم در طول مدتی که برجام حال به هرشکلی که بین ایران و آمریکا وجود داشت و ترامپ از آن خارج نشده بود، کارکرد خود را داشت و آن زمان آژانس نزدیک به ۱۵ بیانیه داد که ایران کارش را درست انجام می‌دهد و هیچ انحرافی ندارد اما امروز با خروج رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده و در زمان آقای بایدن یک هماهنگی بین سه کشور انگلیس، فرانسه و آمریکا وجود دارد و فشار می‌آورند ما این قضیه را در مذاکرات وین و آمدن آمریکا به برجام مشاهده می‌کنیم که دوباره بسیار هماهنگ آژانس گزارشات و موضع گیری‌هایش منطبق بر سیاست‌های ۱+۴ پیش می‌برد. وی ادامه داد: مسئله‌ای که وجود دارد این است که ایران یکسری تجاربی از بحث‌هایی که در شورای حکام شد دارد؛ حتما به یاد دارید زمانی پرونده هسته‌ای ما را به شورای امنیت ارجاع دادند. این نماینده پیشین مجلس یادآور شد: متاسفانه در دوران آقای احمدی‌نژاد یک مقداری بی‌توجهی به این مسائل شد و مشاهده کردیم پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد که این مسئله از نظر بین‌الملل یک مقداری برای جمهوری اسلامی ایران است.